

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن گویا: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: موسسه مطبوعاتی نشر گستر امروز
نوبن • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شترت روزنامه

چهارشنبه ۲۸ مرداد ۱۴۰۵
• ۶ ربیع‌الاول ۱۴۴۸
• ۱۹ اگوست ۲۰۲۶
• سال بیست‌ودوم
• شماره ۵۴۵۴
• صفحه اذان ظهر تهران ۱۲۰۰۸
• اذان مغرب ۱۹۰۰۸
• اذان صبح فردا ۵:۵۶
• طلوع آفتاب ۵:۲۷

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن گویا: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: موسسه مطبوعاتی نشر گستر امروز
نوبن • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

روان‌خوانی

آرامش در شب کنکور

فردا زمان برگزاری کنکور ۱۴۰۵ است؛ کنکوری که به خاطر شرایط جنگی و موقعیت‌هایی که امسال رخ داد، با تأخیر برگزار می‌شود. داوطلبان کنکور فرازونشیب‌های بسیاری را پشت سر گذرانده‌اند. حالا در این شب آخر شاید بهتر باشد اندکی فضا را برای آنها مهیاتر کرد. در این مطلب کوتاه سعی شده نکاتی که می‌توانند حال داوطلبان و خانواده‌شان را بهبود ببخشند، دسته‌بندی و ارائه شوند؛ با این توضیح که چه چیزهایی به داوطلبان بگوئیم یا چه کارهایی برایشان انجام دهیم. نویسنده مطلب در ایرنا معتقد است شب آخر فضای خانه برای بچه‌ها حکم میدان مین را دارد؛ هر حرف نسنجیده‌ای می‌تواند یک اضطراب تازه ایجاد کند. خیلی وقت‌ها ما والدین فقط می‌خواهیم محبت‌مان را نشان دهیم، اما کلمات برعکس عمل می‌کنند. داوطلب کنکور در یک ماراتن نفس‌گیر است. او تمام انرژی‌اش را برای یادآوری دانسته‌ها گذاشته و حالا بیش از هر زمان دیگری به «آرامش روانی» نیاز دارد. بزرگ‌ترین کمک‌کی که می‌توان کرد، فراهم‌کردن آرامش و دل‌داری و اطمینان‌بخشی به او است. فقط باید کنارشان باشیم، بدون اینکه بخواهیم آنها را نصیحت کنیم یا نگران نتیجه باشیم. داوطلب تمام توان ذهنی و جسمی‌اش را مصرف کرده و هر حرف اضاف‌های، مثل یک ضربه ناگهانی عمل می‌کند. فراهم‌کردن «پناهگاه عاطفی»، یعنی فضایی امن و بدون قضاوت که بتواند در آن استراحت کند، بهترین کاری است که می‌شود در این دقایق آخر انجام داد. برای او مدیر عملکرد نباشید، بلکه پشتیبان نیازهای اولی‌اش باشید.

فقط با یک لیخند آرام، حضور خود را در خانه به او یادآوری کنید که «من اینجا هستم و در کنارم». به یاد داشته باشید این آزمون، فقط یک مرحله از زندگی فرزند شماست؛ یک ایستگاه، نه پایان مسیر. او در این روزها بیش از هر چیز به این نیاز دارد که بداند ارزش او به رتبه کنکور یا برنده‌شدن یا نشدنش وابسته نیست. اگر در این روزها خانه را به محیطی سرشار از آرامش، پذیرش و عشق تبدیل کنید، حتی اگر نتیجه کنکور آن‌طور که انتظار می‌رود نباشد، رابطه شما با او و اعتمادبه‌نفسش سالم باقی می‌ماند. اما اگر با کلمات ناآگاهانه، آرامش خانه را برهم برزنید، این زخم‌ها ممکن است مدت‌ها در ذهن او باقی بماند. پس در این روزها، با سکوت حمایتگر و حضور آرام، اجازه دهید او با تمام توان برای خودش بجنگد.

این جملات را استفاده نکنید: «این‌همه خوندی، اگه نتیجه نگیری چی؟»؛ این جمله از نظر روان‌شناختی، «ترس از هدر رفتن تلاش» را در او زنده می‌کند. داوطلب با شنیدن این حرف، ناخودآگاه روی «شکست احتمالی» تمرکز می‌کند، نه روی آمادگی خود. «بین فلانی چقدر بیشتر درس خوندی؟» مقایسه، سم مهلک اعتمادبه‌نفس است. «کنکه اسمال کنکور خیلی سخت باشه؟» سخت یا آسان بودن آزمون، چیزی نیست که در کنترل داوطلب باشد. این جمله او را از حالت «حل مسئله» به حالت «ترس از مجهولات» می‌برد. «همه آینده‌ات به این کنکور بستگی داره؛» این جمله یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات است و کنکور را از یک آزمون ساده به یک «قضاوت بر سر زندگی» تبدیل می‌کند. «چرا داری استراحت می‌کنی؟»؛ مغز انسان مثل یک ماشین نیست که همیشه در حال کار باشد، مغز برای تثبیت اطلاعات، به استراحت و «خواب آرام» نیاز دارد. «استرس نداشته باش! اصلا کنکور مهم نیست؛» این جمله نوعی «انکار احساسات» است. برای داوطلب، کنکور بسیار مهم است و استرس او هم کاملاً طبیعی است. در حالی که او حتی از داشتن استرس هم مضطرب شود. «دیگه هر چی خوندی بسه، دیگه فایده نداره!»؛ این جمله، امید و انگیزه را در لحظه حساس از بین می‌برد. تا آخرین ساعت، مرورهای کوچک و نکات کلیدی می‌توانند به اعتمادبه‌نفس او کمک کنند. با گفتن این حرف، شما عملاً او را به سمت تسلیم‌شدن و رهاکردن تلاش‌های نهایی سوق می‌دهید. «واقعاً فکر می‌کنی با این وضعیت خواب، رتبه میاری؟»؛ نقدکردن سبک زندگی در روزهای آخر، فقط باعث می‌شود او در لاک دفاعی فرو برود. «فلانی (فامیل) پرسید کنکور چی شد؟ منم گفتم فعلاً که درس می‌خونه…»؛ اینکه بخواهید به دیگران گزارش بدهید یا فشار نظرات دیگران را به خانه بیاورید، یعنی کنکور او را به یک «موضوع عمومی» تبدیل کرده‌اید. «از فردا که کنکور تموم بشه، دیگه راحت می‌شی…»؛ این جمله ناخودآگاه القا می‌کند که «زندگی الان، فقط عذاب و سختی است». این کار، نگاه او را به زمان حال، منفی می‌کند. بهتر است به‌جای تمرکز بر «پایان این وضعیت»، روی «ثبات وضعیت فعلی» تمرکز کنید.

دیروز مراسم اختتامیه چهارمین جشنواره روزنامه‌نگاری «چراغ حقیقت» برگزار شد و برگزیدگان جوایز خود را دریافت کردند. در این دوره، برای نخستین‌بار یادداشت‌نویسی نیز به بخش‌های رقابتی جشنواره افزوده شد. این پیشنهاد را عباس عبدی مطرح کرد و با استقبال برگزارکنندگان جشنواره همراه شد و از دوره آینده، جایزه این بخش به‌صورت رسمی با نام «جایزه عباس عبدی» اهدا خواهد شد. تحولات شتابان جهان رسانه، جایگاه خبر و گزارش و حتی بسیاری از قالب‌های سنتی رسانه‌ای را دست‌خوش تغییر کرده است. امروز خبر در چند ثانیه و از هزاران مسیر به مخاطب می‌رسد. آنچه کم‌یاب‌تر شده، فهم خبر است. در چنین شرایطی، یادداشت و تحلیل به قلب آن نزدیک شده است. ارزش روزنامه‌نگار امروز بیش از آنکه در توانایی بازگویی یک رویداد باشد، در قدرت او برای توضیح چرایی، پیامدها و معنای آن رویداد است. از این‌رو، مهم‌ترین میدان رقابت روزنامه‌نگاری، بی‌تردید یادداشت‌نویسی و تحلیل است که داده، تجربه، دانش و استقلال فکری به هم می‌رسند و قلم می‌تواند به‌جای افزودن بر هیاهو، به فهم جامعه کمک کند. از همین منظر، انتخاب نام این جایزه نیز معنادار است. عباس عبدی روزنامه‌نگاری است که قلم یادداشت‌ها و پیگیر و منصفانه‌اش، در کنار صراحت و استقلال رای، او را به چهره‌ای متمایز در روزنامه‌نگاری تحلیلی ایران تبدیل کرده است. انتخاب نام او برای این جایزه، تأکید بر سنتی از روزنامه‌نگاری است که در آن قلم برای فهم بهتر جامعه، نقد مسئولانه و جست‌وجوی حقیقت به کار گرفته می‌شود.

در میان روزنامه‌نگاران معاصر ایران، عباس عبدی جایگاهی متمایز دارد. از نخستین سال‌های فعالیتش، به‌ویژه با یادداشت‌ها و سرمقاله‌های اثرگذار در روزنامه «سلام»، قلمی جریان‌ساز داشت و با پیوند مستمر میان روزنامه‌نگاری، پژوهش اجتماعی و تحلیل سیاسی، به ارتقای تراز روزنامه‌نگاری تحلیلی ایران کمک کرد. مسیر تحول او، از کنشگر سیاسی جوان به پژوهشگری صاحب‌نظر و روزنامه‌نگاری پژوهش‌محور، روایتی معنادار از خستگی یک روشنفکر و روزنامه‌نگار ایرانی است. پیشینه مهندسی، تسلط بر مفاهیم و منطق و روش‌های آماری و تجربه فعالیت در نهادهای پژوهشی و سیاسی، به تحلیل‌های او ساختار، دقت و نگاهي داده‌محور بخشیده است. او برخلاف بسیاری از نویسندگان، به کلی‌گویی بسنده نمی‌کند؛ استدلال‌هایش را بر داده، پژوهش و سنجش افکار عمومی بنا می‌کند و از دل اعداد و واقعیت‌های اجتماعی، معنا و تحلیل بیرون می‌کشد.

اصغر فرهادی تأیید کرد در حال نوشتن فیلم بعدی خود است و این فیلم بازگشتی به زبان مادری‌اش، فارسی خواهد بود.

او گفت انتظار دارد فیلم‌نامه را طی یک سال آینده به پایان برساند. در حالی که جزئیات داستان همچنان مخفی نگه داشته شده و مکان‌های فیلم‌برداری در حال بررسی است، او تأکید کرد این فیلم در ایران یا فرانسه فیلم‌برداری نخواهد شد. به گزارش ایسنا، جدیدترین فیلم فرهادی با عنوان «استان‌های موزای» به زبان فرانسوی، در بخش مسابقه کن به نمایش درآمد و اکنون در جشنواره سارایوو در حال اکران است. این فیلم در فرانسه، جایی که فرهادی دو سال در آن زندگی کرد، فیلم‌برداری شده و بازیگرانی همچون ایرایل هویپر، ویرژینی افیرا و ونسان کسل در آن نقش‌آفرینی کرده‌اند. فرهادی اوایل امسال به ایران بازگشت و دوباره به‌طور تمام‌وقت در این کشور زندگی می‌کند، اما گفته است تحت شرایط کنونی تمایلی به فیلم‌برداری در ایران ندارد.

فرهادی همچنین ساخت پروژه بعدی خود در آمریکا را رد کرده است. او گفت: «برای فیلم «استان‌های موزای»، سه سال در آمریکا زندگی کردم و به تحقیق و نوشتن مشغول بودم. تهیه‌کننده‌ام آمریکایی بود. سه سال را در آمریکا به نوشتن، حتی انتخاب بازیگران و انتخاب لوکیشن گذراندم. بعد از سه سال احساس کردم نمی‌توانم با محیط ارتباط برقرار کنم. نظم عوض شد و به فرانسه رفتم». با این حال او در حال بررسی گزینه‌هایی برای یک فیلم انگلیسی‌زبان نیز هست و گفت بریتانیا یکی از گزینه‌های جدی برای



تکین فیروزه‌ای ایران، دریاچه ارومیه، پس از پشت سر گذاشتن بحران خشکی و کم‌آبی، این روزها با معضل تازه‌ای دست‌وپنجه نرم می‌کند؛ انباشت زباله در سواحل. حضور گسترده گردشگران در سواحل دریاچه، به‌ویژه در محدوده پل میان‌کدر، حجم درخ‌رور توجهی از زباله را بر ساحل کهرمق ارومیه تحمیل کرده و چهره زیبای این پهنه آبی را مخدوش کرده است. عکس: مهرداد تبریزی، ایرنا

instagram:sharghdaily1

twitter:sharghdaily

youtube:sharghdaily

Telegram:SharghDaily

aparat:tasvirshargh

www.sharghdaily.com

به بهانه نام‌گذاری جایزه یادداشت‌نویسی جشنواره چراغ حقیقت

چراغی روشن در مسیر روزنامه‌نگاری مسئولانه



قادر باستانی تبریزی

دبیر چهارمین جشنواره روزنامه‌نگاری چراغ حقیقت

یکی از ویژگی‌های برجسته عبدی، توانایی او در ترجمه مفاهیم پیچیده جامعه‌شناسی و علوم سیاسی به زبانی روشن و قابل فهم برای عموم است. از تحلیل تغییر الگوی نام‌گذاری نوزادان و یادداشت‌های پیگیرانه‌اش درباره فرزندآوری و سیاست‌های تحدید جمعیت گرفته تا جرم و مجازات و مواردی همچون کرونا و بررسی همبستگی اجتماعی و رفتار سیاسی، او از دل داده‌هایی که بسیاری به‌سادگی از کنارشان می‌گذرند، نشانه‌هایی معنادار برای فهم تحولات جامعه استخراج می‌کند. خواننده در خواندن یادداشت‌های عبدی، علاوه بر دریافت تحلیل، لذت دانستن و فهمیدن را تجربه می‌کند؛ لذت کشف معنایی تازه در موضوعاتی که شاید هر روز از کنارشان می‌گذریم. او با نگاهی دقیق، از دل مسائل ظاهرا معمولی، نکته‌هایی بیرون می‌کشد که ذهن خواننده را درگیر می‌کند و پس از پایان متن نیز رهایش نمی‌کند.

فرازونشیب‌های زندگی، از فعالیت‌های سیاسی و مسئولیت‌های مختلف تا بازداشت و زندان، عبدی را به روزنامه‌نگاری محتاط، واقع‌بین، و خنثه و در عین حال جسور و پیگیر تبدیل کرد. او هزینه‌های بزرگی برای قلم و باورهایش پرداخت، اما صبور و امیدوار ایستاد. در سال‌های فعالیت مطبوعاتی‌اش، بسیاری از مقامات عالی سیاسی، خواننده ثابت یادداشت‌های او بودند.

در اوایل دهه ۸۰، قاضی مرتضوی او را به اتهام فروش اطلاعات به بیگانگان به زندان انداخت. او از این اتهام واهی تبرئه شد. کتاه عبدی این بود که به همراه چند جامعه‌شناس شناخته‌شده، مؤسسه‌ای علمی برای افکارسنجی راه انداخته بودند تا تصویری واقعی از جامعه و افکار عمومی در برابر نظام حکمرانی قرار دهند و مشترکانش نهادهای حاکمیتی بودند؛ آینه‌ای برای نشان‌دادن واقعیت. اما تصویر خوشایند نبود و به‌جای اصلاح آن، آینه را شکستند.

عبدی هزینه داد و زندان کشید، اما ایستاد و به نوشتن و پژوهش ادامه داد. می‌توانست برود. توانایی‌اش در بحث، مناظره و جریان‌سازی چنان

هنر خوانی

اصغر فرهادی در ایران فیلم نمی‌سازد

تولید این فیلم است و ترجیح می‌دهد پس از تجربه‌های خوب در فرانسه، اسپانیا و آلمان، پایگاه خود را در اروپا حفظ کند.

فرهادی گفت: «هنوز پروژه‌ای انتخاب نکرده‌ام، اما اگر تصمیم به ساخت فیلمی به زبان انگلیسی بگیرم، ترجیح می‌دهم آن را در بریتانیا انجام دهم. تجربه‌ای که در آمریکا داشتم، تجربه بدی نبود؛ اما وقتی به آمریکا رفتم تا تحقیق کنم، نوع داستانی که من دوست دارم کمی از آن فرهنگ دور است».

این کارگردان در بخش دیگری از صحبت‌هایش درباره نمایش فیلم‌هایی که در خارج از کشور ساخته و فرصت نمایش آن در ایران گفت: «وقتی فیلم



را در خارج از ایران، مثلاً در فرانسه روی اینترنت منتشر می‌کنند، مردم ایران بلافاصله می‌توانند آن را بازبینی فارسی تماشا کنند. اما سینماهای ایران فیلم‌های خارجی را زیاد اکران نمی‌کنند، فقط چند اکران محدود». او اعتراف کرد طبقه‌بندی فیلمش به‌عنوان یک فیلم «خارجی» در کشور خودش، برایش دشوار است و گفت: «این یک احساس بسیار متناقض است. آرزوی من کارکردن به زبان خودم، در فرهنگ خودم است». اصغر فرهادی پیش از این در گفت‌وگویی اعلام کرده بود فقط چهار ساعت پس از پایان فیلم‌برداری فیلمش به ایران بازگشته است. اصغر فرهادی جزء معدود هنرمندانی بود که وقتی ترامپ اعلام کرد «ما ایران را به نابودی می‌کشایم یا به قول معروف به عصر حجر، باز می‌گردانیم!»، اعتراض کرد و نوشت: «از هنرمندان و سینماگران در هر کجای جهان تقاضا دارم در این روزها و ساعات حساس، با هر روش ممکن، صدایی باشند برای توقف تجاوز ویرانگری که بیش از پیش به تخریب زیرساخت‌های غیرنظامی رسیده است».

این سخنان در بسیاری از رسانه‌های جهان بازتاب پیدا کرد. او همچنین هنگام اکران فیلمش در کن مورد پرسش قرار گرفت و در اعتراض به جنگ و اتفاقات دی‌ماه گفته است: «کشته‌شدن هر انسانی، یک جنایت است و با هر دیدگاهی، کشتن و قتل انسان‌ها برای من قابل پذیرش نیست، چه با جنگ و...». او همچنین گفت: «به‌هیچ‌وجه نمی‌توانم این واقعیت را بپذیرم که یک انسان دیگر جان خود را از دست بدهد.

پس از گذشت حدود دو ماه از توقف اجرای بسیاری از تئاترهای کمدی به دلیل ایام عزاداری محرم و صفر، بار دیگر سالن‌های نمایش میزان تعداد قابل توجهی از این آثار شده‌اند. در حال حاضر بیش از ۴۱ نمایش کمدی در سالن‌های سینمایی و غیرسینمایی روی صحنه هستند و اجراهای این آثار در نقاط مختلف تهران دنبال می‌شود. از زمان آغاز دوباره اجراها تاکنون بیش از ۵۵ هزار بلیت نمایش‌های کمدی از طریق سامانه سینماپتیک به فروش رسیده که این رقم معادل بیش از ۸۶ درصد از کل بلیت‌های تئاترهای کمدی فروخته‌شده از ابتدای مردادماه است.

یادداشت

بانک‌هادیگر

حق‌دست‌درازی ندارند

جلیل حاجی حسینی

پژوهشگر حقوق اقتصادی

سال‌هاست بسیاری از شهروندانی که روزی از سر اعتماد یا ناچاری، ضامن وام کسی شده‌اند، خود را در وضعیتی می‌بینند که هیچ ربطی به بدهی آنها ندارد؛ حساب بانکی‌شان بی آنکه دادگاهی رای‌ی صادر کرده باشد یا اجرائیه‌ای در کار باشد، یک شبه مسدود یا از موجودی آن برداشت می‌شود. این رویه که سال‌ها بر پایه بندهای یک‌طرفه قراردادهای بانکی توجیه می‌شد، اکنون با یک رأی صریح از سوی دیوان عدالت اداری، پایانی رسمی یافته است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، در دادنامه شماره ۱۴۰۵۳۱۳۹۰۰۰۹۸۴۳۰ مورخ بیست‌وسوم تیرماه ۱۴۰۵، به شکایت سازمان بازرسی کل کشور از بانک مرکزی، ماده نهم فرم یکنواخت قرارداد قرض‌الحسنه را باطل اعلام کرد. این ماده که سال‌ها ذیل بخش‌نامه‌ای از بانک مرکزی به تمام شبکه بانکی کشور ابلاغ شده بود، به بانک عامل اختیار می‌داد تا بدون نیاز به حکم قضائی یا اجرائیه، هرگونه مطالبه مستقیم یا حتی غیرمستقیم خود را راساً از هر یک از حساب‌های مشتری و ضامن یا ضامنان برداشت کند.

دیوان در استدلال خود تصریح کرده چنین اختیاری مغایر ماده یک قانون تسهیل اعطای تسهیلات بانکی مصوب ۱۳۸۶ و ماده بیست‌وسوم قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار مصوب ۱۳۹۰ است و با آرای پیشین هیئت عمومی، ازجمله دادنامه شماره ۶۴ مورخ بیستم فروردین ۱۳۹۸ همراساست و در واقع تکمیل‌کننده همان رویه است. به بیان ساده‌تر، بانک مرکزی و بانک‌های عامل نمی‌توانستند و اکنون به‌طور صریح‌تر نمی‌توانند خود را قاضی پیرونده خویش قرار دهند.

نکته مهمی که در فضای عمومی کمتر به آن پرداخته می‌شود، این است که این رای هیچ بدهی‌ای را از بین نبرد و مسئولیت قانونی تسهیلات‌گیرنده یا ضامن را نیز لغو نمی‌کند. آنچه ابطال شده، صرفاً شیوه وصول یک‌طرفه و بدون نظارت قضائی است. از این پس، بانک برای دسترسی به حساب‌های دیگر مشتری یا ضامن، ناگزیر از طی مسیر قانونی است؛ یعنی باید از دادگاه صالح حکم بگیرد یا از طریق اجرای ثبت به‌عنوان سند لازم‌الاجرا، اجرائیه صادر کند. برداشت راساً و بدون طی این تشریفات، از این پس فاقد وجاهت قانونی است.

این تحول برای گروه بزرگی از شهروندان اهمیت عملی دارد؛ به‌ویژه کسانی که صرفاً به دلیل ضمانت وام دیگری، سال‌هاست با مسدودی حساب، کسر غیرمنتظره موجودی یا فشار غیرمستقیم بانک مواجه بوده‌اند. بسیاری از این افسرد تاکنون با حق اعتراض خود بی‌اطلاع بوده‌اند یا تصور می‌کرده‌اند بندهای امضاشده قرارداد، راه هرگونه چون‌وچرا را بسته است. رای اخیر دیوان نشان می‌دهد چنین پندهایی، هرچند در قرارداد گنجانده شده باشند، اگر با قانون بالادستی در تعارض باشند، فاقد اعتبارند. برای کسانی که در حال حاضر با برداشت یا مسدودی غیرموجه حساب از سوی بانک مواجه‌اند، بررسی دقیق نوع قرارداد، تاریخ انعقاد آن و مسیر اعتراض قانونی می‌تواند تعیین‌کننده باشد؛ چراکه آثار این رای، بسته به وضعیت هر پرونده، می‌تواند متفاوت اعمال شود.

خبرخوانی

بررسی یک‌باور

بورینوزو، ویتامین سی یکی از شناخته‌شده‌ترین مکمل‌ها در فصل سرما و آنفولانزاست. بسیاری تصور می‌کنند مصرف روزانه دُرْهای بالا می‌تواند سیستم ایمنی را تقویت کند و مانع ابتلا به سرماخوردگی شود. ریشه این باور به دهه ۱۹۷۰ و ادعاهایی یک برنده نوبل بازمی‌گردد؛ ادعاهایی که پژوهش‌های بعدی تصویر بسیار محدودتری از اثر واقعی ویتامین سی ارائه کرده‌اند. پاولینگ در سال ۱۹۵۴ جایزه نوبل شیمی و در سال ۱۹۶۲ جایزه نوبل صلح را دریافت کرد. او متخصص تغذیه یا پزشک بیماری‌های عفونی نبود، اما در سال ۱۹۷۰ کتابی درباره ویتامین سی و سرماخوردگی منتشر کرد.

او در این کتاب پیشنهاد کرد افراد برای حفظ سلامت روزانه حدود هزار تا دو هزار میلی‌گرم ویتامین سی دریافت کنند، اما بعدها مشخص شد تفسیر پاولینگ از شواهد موجود با انتقادهای جدی روبه‌رو بوده است؛ ازجمله استفاده از تحلیل‌های ریاضی نادرست، اتکا بر تعداد محدودی مطالعه با کیفیت پایین و برجسته‌کردن نتایج یک مطالعه روی کودکان.